

## تشریح نفقه، حدود و سقوط آن

محمد رسولی<sup>۱</sup>، الهه زنگنه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور

---

### چکیده

در این نوشتار تلاش بر آن است تا مفهوم نفقه بیان گردیده و نیز روشن گردد نفقه شامل چه مواردی است. همچنین واضح است که تأدیه نفقه به زن در صورتی واجب است که وی در خانه شوهر زندگی کرده و دارای تمکین باشد یعنی وظایف خود را در مقابل همسرش انجام داده و سعی بر ترک آن‌ها ننماید. در صورت مذکور پرداخت نفقه وظیفه مرد بوده و زن می‌تواند در خصوص عدم پرداخت آن نسبت به همسرش اقامه دعوی کند. همچنین می‌تواند از این حق خویش بگذرد.

واژه‌های کلیدی: نفقه، حدود، سقوط.

---

#### مقدمه:

از دیدگاه شریعت پرداخت نفقه جهت بقای زندگی جز وظایف مرد بوده و او باید نسبت به تأدیه آن به زن مطابق با عرف و شأن او اقدام کند. البته پرداخت نفقه مانند لباس، خوراک و فراش در صورت تمکین زن نوعی نگاه خاص الهی و رحمت او را به وی می‌رساند مگر آنکه مرد باوجود تلاش فراوان و سعی بر پرداخت نفقه قدرت پرداخت آن را نداشته باشد که در این صورت این وجوب از بین می‌رود. علاوه بر آن در صورتی که عقد، موقت باشد نیز وظیفه تأدیه نفقه از عهده مرد ساقط می‌شود.

#### نفقه:

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به‌واسطه مرض یا نقصان اعضاء».

در کتب فقهی نفقه زوجه در هشت چیز دسته‌بندی شده است:

۱ و ۲- نان و خورش به مقداری که سیر شود و از نظر کمیّت و کیفیت به شئون زن و عرف و عادت بستگی داشته و متناسب با زمان و مکان می‌باشد.

۳- لباس که از نظر جنس و مقدار بستگی به عرف و عادت محل دارد.

۴- فراش که منظور زیرانداز و وسایل استراحت است.

۵- وسایل طبخ و ادوات و ابزار آشپزی متناسب و متعارف.

۶- وسایل تنظیف و آرایش، فقها در این مورد وسایلی مانند شانه و موادی مانند دهن (کرم) را جزء نفقه ذکر کرده‌اند. ولی درباره لوازمی که جنبه تزیین اضافی دارد مانند عطریات و سرمه جات، به عدم لزوم آن تصریح نموده‌اند. برخی از فقها خرج و هزینه حمام را نیز به‌عنوان نفقه نفی کرده‌اند (نجفی، ۱۳۷۷ ق: جلد ۳۳۵/۳۱) اما اشتباه نشود که این موضوع نه به آن معناست که خرج نظافت جزء نفقه نیست، بلکه از آنجاکه سابقاً چنین متداول بوده که افراد در منزل شستشو می‌کرده‌اند و رفتن به حمام مخصوص طبقه خاص و یا تنها در حالت‌های بخصوصی بوده، لذا مخارج حمام جزء مخارج اضافی محسوب می‌شده است؛ بنابراین در عرف فعلی علی‌الظاهر مخارج حمام اعم از آنکه برای غسل باشد یا برای تنظیف جزء نفقه واجب می‌باشد. (خمینی، ۱۳۹۰ ق: ج ۳۱۶/۲)

۷- مسکن ملکی یا استیجاری و یا استعاری که با شئون و احتیاجات زوجه از نظر محل و همچنین از نظر داشتن مرافق کافی متناسب باشد.

۸- خدمتکار، چنانچه زوجه از جهت شئون و شرافت خانوادگی در منزل پدرش دارای خادم بوده و یا به علت ابتلا به بیماری نیازمند به خدمتکار هست. در این صورت مرد مخیر است که خادمی را اجیر کند و یا آنکه خود به خدمت زن برخیزد و حوائج او را برآورد و یا زن خودش داوطلبانه کارهای مربوط به خود را انجام دهد؛ که در صورت اخیر زن حق مطالبه نفقه خادم را ندارد. (حلی، ۱۳۸۱: ج ۳۳۷/۳۱، عاملی، ۱۳۸۷: ج ۱۲۲/۲)

حق تعیین فرد خادم در صورت عدم توافق میان زوجین با کدام‌یک از آن دو است؟

علامه حلی معتقد است که نظر زن مقدم است، زیرا وی بهتر می‌داند که چه کسی می‌تواند خدمت او را انجام دهد. ولی محقق حلی و شهید ثانی معتقدند که اختیار تعیین با مرد است. (نجفی، ۱۳۷۷ ق: ج ۳۳۷/۳۱، عاملی، ۱۳۸۷: ج ۱۲۲/۲)

ذکر این نکته ضروری است که به نظر می‌رسد نفقه اختصاص به امور هشتگانه فوق‌الذکر ندارد و اگر نیازهای دیگری هم احیاناً وجود دارد مثل سوخت فصل سرما که در دسته‌های فوق داخل نیست، یقیناً جزء نفقه محسوب است. اما در مورد مخارج معالجه، فقها هزینه مداوای امراض عادی را جزء نفقه دانسته‌اند. ولی نسبت به مخارج درمان امراض صعب‌العلاج که مستلزم هزینه‌های سنگین است تردید نموده‌اند. (خمینی، ۱۴۱۲ ق: ج ۳۱۷/۲)

## ملاحظات:

۱- ایصال و تأدیة نفقه به زن به دو طریق صورت می‌گیرد:

الف- زن در خانه شوهر برحسب عرف و عادت زندگی می‌کند و هزینه زندگی از طعام و غیره توسط شوهر تأمین می‌گردد.

ب- زن نفقه خود را روزانه مطالبه می‌کند و شوهر نفقه یومیّه را جداگانه به وی تسلیم می‌نماید.

فقهای امامیه معتقدند که تعیین و انتخاب یکی از دو نحوه فوق با زن است و شوهر نمی‌تواند زن را به تقبّل نحوه نخست الزام نماید. (اصفهانی، ۱۴۲۷ ق: ج ۲/۲۷۶)

اما نظر برخی از فقهای اهل سنت آن است که قبل از آنکه زن و شوهر به علت اختلاف خانوادگی به دادگاه مراجعه نمایند تا دادگاه برای زن نفقه و نحوه پرداخت آن را مشخص کند، زن نمی‌تواند از شوهر خویش پرداخت نفقه را به صورت دوم درخواست نماید. بلکه بایستی به همان نحوه اول موافقت کند. (خالد حسن عدنان نجا، بی تا: ۱۳۰)

۲- زوجه مالک نفقه است، بنابراین چنانچه مثلاً شوهر یکجا نفقه یک هفته را به زن تسلیم نماید و زن با تأمین هزینه‌های روزانه از طریق دیگر و یا قناعت و صرفه‌جوئی مبلغی را پس‌انداز کند، شوهر نمی‌تواند مبلغ مزبور را استرداد نماید. اما اگر قبل از پایان هفته زن ناشزه گردد نسبت به ایّام نشوز باید نفقه را مسترد دارد.

۳- پوشاک زن جزء نفقه است. شوهر می‌بایست چه با لباسی از مال خودش و چه با لباس استیجاری یا استعاری، آن را تأمین نماید.

نباید چنین پنداشت که لباس همانند طعام است که در ملکیت زن درآید و لذا بعد از وفات زوجه چنانچه هنوز باقی باشد، از اموال شوهر محسوب است. وسایل خواب، فرش و کلیه اشیائی که استفاده از آن موجب معدوم شدن عین آن نیست، از همین قبیل است. مگر آنکه زوج به زوجه تملیک کرده باشد. (اصفهانی، ۱۴۲۷ ق: ۲۷۶)

۴- هرگاه زوجه به خاطر انجام واجب شرعی مسافرت کند، نفقه او ساقط نمی‌شود.

بنابراین بر زوج واجب است که آن را پرداخت نماید. اما مخارج سفر چنانچه برای امور حیاتی باشد (مانند مسافرت برای معالجه) به عهده شوهر است، ولی پرداخت مخارج مسافرتی که به خاطر ادای فریضه‌ای از فرایض شرعی (مانند مسافرت حج واجب) انجام می‌شود بر شوهر واجب نیست (حکیم، ۱۴۱۳ ق: ج ۲/۳۱۶)

۵- نفقه زوجه بر نفقه سایر افراد واجب النّفقه مقدّم است. همانند: اولاد، پدر، مادر و غیره. کما اینکه نفقه خود شخص بر نفقه زوجه تقدّم دارد (همان) بنابراین در صورت فقر و اعسار زوج، دادگاه باید حق تقدّم را به‌نحوی که گفته شد رعایت نماید.

۶- هرگاه زوج باحالت یسر و قدرت بر پرداخت نفقه از ادای نفقه خودداری کند، زوجه می‌تواند بدون مراجعه به دادگاه از اموال او تقاصاً برداشت نماید.

۷- هرگاه مدّتی بگذرد و زوج نفقه زوجه را نپردازد، نفقه ایّام گذشته به‌صورت دین بر ذمه زوج قرار می‌گیرد و همانند سایر دیون ساقط نمی‌گردد مگر با اداء و یا ابراء. چنانچه زوجه قبل از دریافت آن فوت نماید، مانند سایر طلب‌های او به ورثه منتقل می‌گردد. در این مسئله نیز تفاوتی نیست بین آنکه زوجه نفقه را مطالبه کرده باشد یا خیر، همچنین بین مراجعه به دادگاه و عدم آن و یا موسر بودن زوج و معسر بودن او و نیز بین اینکه دادگاه نسبت به نفقه و مقدار آن حکمی صادر کرده باشد یا خیر. البته ناگفته نماند در صورت اعسار، زوج به پرداخت نفقه الزام نمی‌شود. (اصفهانی، ۱۴۲۷ ق: ج ۲/۲۷۶)

آنچه ذکر شد نظر فقهای امامیه است. در این خصوص شافعی و احمد و مالک از علمای اربعه اهل سنت با این نظر موافقت؛ ولی ابوحنیفه معتقد است که نفقه همانند سایر دیون نیست، بلکه دین ضعیف است. منظور وی از دین ضعیف آن است که علاوه بر آنکه با ابراء و یا اداء ساقط می‌شود، با طلاق، فوت، نشوز طاری و یا مرگ نیز ساقط می‌گردد. مگر آنکه زوجه قبلاً به دادگاه مراجعه و دادگاه نسبت به پرداخت نفقه حکم صادر کرده باشد؛ که در این صورت دین قوی است و مانند سایر دیون خواهد بود. (حسن خالد عدنان نجا، بی تا: ۱۳۸)

۸- هرگاه مرد برای پرداخت نفقه زن خویش مالی نداشته باشد، موظف است که کار کند و نفقه را تأمین نماید مگر آنکه شغلی مطابق با شئون و حیثیات او وجود نداشته باشد که در این صورت مدیون و مانند مسئله قبل عمل خواهد شد و در موقع یسار ملزم به جبران است.

۹- زن می‌تواند حق نفقه را از عهده زوج اسقاط نماید، البته نسبت به روز حاضر و یا ایام گذشته.

در مورد ایام آینده و یا به نحو شرط ضمن عقد از روز نخست چطور؟

به نظر بسیاری از فقها چنین شرطی باطل بوده و اصولاً زوجه نمی‌تواند نفقه آینده را اسقاط نماید، ولی به نظر گروهی دیگر شرط مزبور صحیح و اسقاط آن نسبت به ایام آینده نیز بلا اشکال می‌باشد. (حکیم، ۱۴۱۳ ق: ج ۳۱۵/۲)

قول دوم اقوی به نظر می‌رسد.

#### سقوط نفقه:

ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظائف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.»

استحقاق نفقه در عقد دائم مشروط به تمکین زوجه است، مگر اینکه زوجه دارای عذر شرعی باشد که در این صورت هرچند زوجه از ادای وظائف زناشویی خودداری می‌کند، ولی مع ذلک مستحق نفقه می‌باشد.

قانون مدنی در مورد مانع مشروع و نیز ادای وظائف زوجیت توضیح نداده است؛ اینک ذیلاً به تشریح آن می‌پردازیم:

#### امتناع از وظائف زوجیت:

عنوان فوق در ماده ۱۱۰۸ ق. م. معادل واژه نشوز در فقه است. نشوز در لغت به معنای ارتفاع و سرکشی است که از سوی هر یک از زوجین می‌تواند صورت گیرد، ولی آنچه در این ماده به عنوان موجب زوال استحقاق نفقه مطرح هست، نشوز زوجه در مقابل زوج است.

مفهوم مقابل نشوز صرفاً تمکین نیست، بلکه مفهومی اعم از آن است. زن غیر ناشزه علاوه بر تمکین در مقابل استمتاع، بایستی مطیع تام و تمام زوج نیز باشد؛ و بدون اجازه او حتی برای عیادت والدین خویش هم از خانه خارج نگردد. (خمینی، ۱۳۹۰ ق: ج ۳۰۲/۲، عاملی، ۱۳۸۷: ج ۱۱۲/۲، حلی، ۱۳۸۱: ج ۲۰۰/۳)

به عبارت جامع‌تر هرگونه ناسازگاری و یا بدرفتاری از سوی زوجه او را ناشزه می‌سازد.

#### مانع مشروع:

مانع مشروع به آن قبیل عذرهای شرعی اطلاق می‌شود که زن باوجود آن‌ها از انجام وظائف شرعاً معذور است؛ مانند حالت حیض و نفاس، روزه واجب، انجام هرگونه عمل واجبی که وقت آن مضیق باشد و یا کسالتی که پزشک او را از آمیزش ممنوع ساخته است.

### بررسی فقهی:

در اینکه زن در حالت نشوز مستحق نفقه نیست، تردیدی میان فقها وجود نداشته و این امر از مسلمات فقه است. اما بحث دقیقی که در این خصوص در فقه مطرح است، این که آیا نفقه نیز همانند مهر به موازات عقد بر زوج واجب می‌گردد و نشوز مانع و مسقط آن است؟ و یا آنکه اصولاً نفقه با وجود تمکین و زوج پیدا می‌کند نه با عقد؟

مشهور فقها نظریه دوّم را معتقدند و شرط وجوب نفقه را تمکین کامل دانسته‌اند. (عاملی، ۱۳۸۶: مبحث نفقات، حلی، ۱۳۸۱: ج ۱۴۰۳/۳۱) البته بر هر یک از دو نظریه فوق ثمرات و فروع کثیری مترتب می‌گردد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

الف- هرگاه زوجین در موضوع تمکین نزاع داشته باشند و زوجه مدعی تمکین و زوج منکر آن باشد، چنانچه قول اول را قائل شویم، زوج باید نشوز را اثبات نماید؛ زیرا به موجب آن نظریه نفقه با عقد ثابت شده و تا نشوز اثبات نگردد، نفقه ساقط نمی‌شود. اما اگر پیرو نظریه مشهور باشیم، زوجه باید تمکین را اثبات کند؛ زیرا تمکین شرط ثبوت نفقه است و تا زوجه حصول آن شرط را اثبات نکند، طلب او ثابت نخواهد شد.

ب- بنا بر نظریه مشهور تمکین صفتی وجودی است و بایستی از ناحیه زوج واقع شود. درحالی‌که بنا بر نظریه دیگر نشوز صفتی عدمی و به معنای استنکاف است. به عبارت دیگر نشوز مستلزم درخواست شوهر و سرپیچی زوجه از انجام آن است؛ بنابراین چنانچه پس از عقد، زوج از زوجه مطالبه زفاف ننماید و زوجه نیز اظهار آمادگی نکند، مطابق نظریه مشهور زوجه مستحق نفقه نخواهد بود.

به خلاف نظریه دیگر که با توجه به عدم وقوع نشوز زن مستحق مهر است. (همان)

چند مسئله:

۱- در مدت زمان فاصل میان وقوع عقد و انجام زفاف نفقه زوجه بر زوج واجب نیست؛ زیرا تمکین کامل صورت نگرفته است. سیره مستمره و رویت جاریه در جوامع اسلامی نیز مؤید این نظر می‌باشد.

۲- هرگاه زنی نخست ناشزه گردد و پس از نشوز مجدداً اطاعت پیشه نماید، مادام که اظهار تسلیم و اطاعت ننموده مستحق نفقه نیست.

۳- هرگاه زوج کبیر و زوجه صغیر باشد، به نظر بسیاری از فقها نفقه بر زوج واجب نیست (نجفی، ۱۳۷۷: ج ۳۱۲/۳۱، عاملی، ۱۳۸۶: مبحث نفقات) زیرا که تمکین از ناحیه زوجه انجام نگرفته است. ولی گروه دیگری معتقدند که چون عدم تمکین زوجه به خاطر صغر که عذری شرعی محسوب می‌گردد بوده، پس زوجه استحقاق دریافت نفقه را داراست.

این نظریه قوی‌تر به نظر می‌رسد.

۴- هرگاه زوج صغیر و زوجه کبیره باشد، عده‌ای از فقها معتقدند نفقه بر زوج واجب است؛ زیرا که تمکین از ناحیه زن صورت گرفته است. (نجفی، ۱۳۷۷: ج ۳۱۱/۳۱، طباطبایی، ۱۲۹۲: ج ۱۶۳/۲) شیخ طوسی مخالف این نظر بوده (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۳۲۷/۲، طوسی ۱۳۸۷، کتاب نکاح) و عقیده به عدم وجوب نفقه دارد؛ با این استدلال که خطاب ادله وجوب نفقه زوج‌های کبیر است و لذا متوجه ازواج صغار نیست.

استدلال مرحوم شیخ قوی به نظر می‌رسد، زیرا علاوه بر آنکه اصل برائت ذمه است، دلیلی بر شمول خطابات نسبت به ولی نیز وجود ندارد، مگر اینکه ولی در ضمن عقد نفقه را خود به عهده گرفته باشد.

### نتیجه‌گیری:

با توجه به مطالب مذکور نتیجه می‌گیریم که در پرداخت نفقه و تأدیه آن از جانب مرد شرایطی لحاظ شده تا این موضوع ابزاری جهت سوءاستفاده احتمالی نگردد. ضمن آن‌که اگر زندگی همراه باعلاقه دو طرف بوده و بر مبنای آن استوار گردد موضوع جبر در تأدیه نفقه از جانب مرد و تمکین از جانب زن از بین می‌رود. علاوه بر آن نفقه در صورت دائمی بودن عقد و تمکین زن جز حقوق اوست و تنها خودش می‌تواند از این حق خویش بگذرد و موضوع آن‌قدر اهمیت دارد که حتی در صورت اعسار مرد زن می‌تواند در صورت داشتن توانایی مالی او بعد از اعسار نفقه آن زمان را از همسرش مطالبه نماید.

### منابع:

۱. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۴۲۷ ق)، وسیله النجاه، چاپ نجف.
۲. حکیم، سید محسن، (۱۴۱۳ ق)، منهاج الصالحین، چاپ نجف.
۳. حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۱)، شرایع الاسلام، چاپ تهران.
۴. حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۱)، قواعد الاحکام، چاپ تهران، افست قم.
۵. خالد حسن، عدنان نجا، (بی تا) الاحوال الشخصیه فی الشریعه الاسلامیه.
۶. خمینی، روح الله، (۱۳۹۰ ق)، تحریرالوسیله، چاپ نجف.
۷. عاملی، زین الدین علی بن احمد، (۱۳۸۷)، شرح لمعه، افست قم.
۸. عاملی، زین الدین علی بن احمد، (۱۳۸۶)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ تهران، افست قم.
۹. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، (۱۴۱۷ ق)، الخلاف، چاپ قم: موسسه النشرالاسلامی.
۱۰. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، قم: دارالهدایه.
۱۱. نجفی، محمد حسن بن محمد باقر، (۱۳۷۷ ق)، جواهرالکلام، چاپ نجف، افست بیروت.

## Description of Alimony, its Limits and its Fall

Mohammad Rasouli<sup>1</sup>, Elaheh Zanganeh<sup>2</sup>

*1- Faculty Member of Payame Noor University*

*2- Master in Payame Noor University*

---

### Abstract

In this paper, it is attempted to express the concept of alimony and also to clarify which aspects of alimony are included. It is also clear that the payment of alimony to a woman is obligatory if she has lived in a husband's house and has a restraint, that is, she has performed her duties against her husband and is not trying to leave them. In the case of payment of alimony, the duty is male and the woman can file a lawsuit against her husband for non-payment. It can also go through this right.

**Keywords:** Alimony, Counts, Fall

---